

نقش ارتباطات در پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی و اهمیت برنامه‌ریزی در جهت توسعه ارتباطات

● برخورد عقاید

محمود غفاری مهر

در فرآیند توسعه ملی، نقش و جایگاه ارتباطات در جهت‌گیری برنامه‌ریزی از اهمیت زیادی برخوردار است و از دیدگاه‌های مختلف می‌تواند بررسی شود. به دلیل تنوع و توسعه روزافزون وسایل ارتباط جمعی، استفاده از امکانات ارتباطی بخش تفکیک‌ناپذیر سازماندهی کلان محسوب می‌شود. در واقع نقش مهم آگاهی‌رسانی و هماهنگ‌سازی در اجرای پروژه‌های مختلف توسعه از مجرای توسعه وسایل ارتباطی ممکن می‌شود. و به‌طور کلی توسعه ارتباطات در ترویج و ترغیب فعالیتهای عمومی و همکاری جمعی به گونه‌ای که بتوان نتیجه‌های بهینه گرفت تأثیری سریع و قطعی و تعیین‌کننده و انکارناپذیر دارد. از دیدگاهی دیگر پیشرفت و توسعه ارتباطات خود از شاخصهای توسعه است و مثل دیگر شاخصها چون درآمد سرانه، گسترش خدمات بهداشتی و درمانی، گسترش صنایع و... در برنامه‌های توسعه ملی اهمیت درخور توجهی دارد. بنابراین به موازات برنامه‌ریزی در دیگر زمینه‌های توسعه در این باب نیز باید برنامه‌ریزی ویژه‌ای صورت گیرد. اهمیت این موضوع تاحدی است که از یک سو برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه و از دیگر سو توسعه امکانات ارتباطی از هم جدایی‌پذیر نیستند و پیشرفت و توسعه آن (توسعه ملی) به معنای توسعه این (امکانات ارتباطی) خواهند بود.

در جهان امروز ارائه برنامه‌های متنوع تلویزیونی از مجرای پخش مستقیم ماهواره‌ای، جذابیت‌های

تکنولوژی ارتباطی مدرن، کاربردهای مثبت و انکار نشدنی دارند، طرح چشم‌اندازهای نوین «دهکده جهانی مکلوهان»، «انقلاب الکترونی» و «موج سوم» در سالهای اخیر رسیدن به عصر «فرانوگرایی» و «جامعه اطلاعات» را درخور پیشبینی کرده است. به لحاظ قدرت تاثیر گذاری و برانگیزی حساسیتها و احساسات گوناگون لازم است که با دیدی مصلحت اندیش و واقع بین و آینده‌نگر سهم ارتباطات را در توسعه ملی و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بیشتر کرد.

توسعه ارتباطات

از آنجا که در دوران بعد از جنگ جهانی دوم بسط و گسترش سیاستهای نواستعماری بویژه از جانب ایالات متحد آمریکا در دوران جنگ سرد اعمال شد، نظریه‌پردازی و الگوسازی در زمینه نوسازی کشورهای در حال توسعه بیش از پیش مطرح شده است. اعمال سیاستهای نواستعماری دلایلی چون جلوگیری از جنبشهای آزادیخواهی در کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک و دیگر کشورهای در حال توسعه را هدف قرار داده بود.

دانستنی است که نخستین گام در طراحی نظریه‌ها و الگوهای موثر در زمینه «نوسازی» کشورهای در حال توسعه با انجام پژوهشی علمی در ایران و نیز پنج کشور دیگر خاورمیانه در سالهای آغازین دهه پنجاه و گام بعدی برشالوده تجربه‌های «ترویج کشاورزی» ایالات متحد و پژوهشهای محققان آمریکایی در پاره‌ای از کشورهای امریکای لاتین برداشته شد.

نشر «نوآوریها» و تأکید زیاد بر وسایل ارتباط جمعی و دیگر امکانات ارتباطی در اوایل دهه شصت صورت گرفت. تحلیل کیفیت پیدایش این الگوها و نظریه‌ها در باب «نوسازی» و کاربرد اطلاعات در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی بویژه پس از کودتای بیست و هشتم مرداد سال سی‌دو در ایران تا سرنگونی رژیم کهنه سلطنتی و پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال پنجاه و هفت ضروری است.

تأثیر کیفی کاربرد متقابل ارتباطات جمعی و کارکردهای مبتنی بر الگوی غربی «نوسازی» طی بیست و پنج سال پیشگفته تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران به درك عمیقتر روند این انقلاب منتهی خواهد شد به‌ویژه که شکست جدی این الگو با شرایط دگرگونیهای سیاسی و اجتماعی ایران در این فاصله زمانی انطباق داشته است از سوی دیگر برای درك و دریافت افزونتر جلوه‌های ضدسلطه، استقلال‌خواهی و خوداتکایی در مبارزه با غرب‌گرایی و مصرف‌زدگی و توجه به بازسازی و رشد بنیانها و هویت فرهنگ ایرانی تحلیلی عمیق و همه‌جانبه را می‌طلبد. این تحلیل می‌تواند برپایه چگونگی رویارویی با سلطه فرهنگی و

ارتباطی سرمایه‌داری جهانی قرار داشته باشد و در آن هدفها و آرمانهای انقلاب اسلامی، تجزیه و تحلیل اصول مورد نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رسالتها و سیاستهای ملی ارتباطی را می‌توان مورد توجه قرار داد.

پیشینه‌ها و زمینه‌های تحقیق در ارتباطات توسعه

از بررسی زمینه‌های پژوهش در باب کاربرد و سایل ارتباطی جمعی و بازرگری و شناخت نظریه‌های توسعه بخشی ارتباطات، آمادگی افزونتری به دست می‌آید تا دانسته شود که تکنولوژیهای ارتباطی در جهت تحقق هدفهای توسعه ملی و بهبود آن از طریق پیشرفت و گسترش کمی و کیفی ارتباطات آمادگی بیشتر به دست می‌آورند هم از این لحاظ است که می‌توان از یکسو امکانات بهره‌برداری از انواع ارتباطات و وسائل ارتباطی را در راه پیشبرد برنامه‌های توسعه طرف توجه قرارداد و از سوی دیگر ضرورت توسعه وسائل و تکنولوژی ارتباطی را در بهبود و عملکرد آن در جهت تحقق بخشیدن منافع ملی و مصالح همگانی جامعه بررسی کرد.

الف: پژوهش درباب ارتباطات در خدمت توسعه

در دهه‌های گذشته نه فقط زیر تأثیر شرایط بین‌المللی و جاذبه‌های جهانی، نظریه‌ها و الگوهای توسعه بخشی ارتباطات رشد کرده است بلکه در اوضاع و احوال خاص کشورهای در حال توسعه برامکان وجود زمینه‌های مطلوب اجرای برنامه‌های توسعه توجه زیادی مبذول شده است و در بهره‌جویی از امکانات ارتباطی در تحکیم استقلال و وحدت ملی و پیشبرد برنامه‌های عمرانی تأکید زیاد شده است. به عبارت دیگر در بسیاری از کشورها از ارتباطات به مثابه اهرمی توانا و نیرومند در برنامه‌ریزیهای توسعه ملی کمک گرفته شده است، تا آنجا که علاوه بر نگاه ویژه به ضرورت توسعه امکانات و سایل و تکنولوژیهای ارتباطی در این برنامه‌ریزیها، ارتباطات به مثابه یکی از ارکان اساسی و ضروری تحقق برنامه‌های مختلف توسعه در تدوین برنامه‌ریزیهای مملکتی جایگاه خاصی دارد.

از سوی پژوهشگران غربی و جهان سومی و برخی از سازمانهای بین‌المللی مانند «یونسکو» در زمینه کاربردهای ارتباطات بویژه سایل ارتباط جمعی در پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی تحقیقات فراوانی صورت گرفته است و توجه به نمونه‌های معتبر و مهم آنها می‌تواند در جهت پیشبرد هدفهای مشابه در ایران نیز سودمند افتد. مطالعات و تحقیقاتی که در این زمینه‌ها در ایران در دوره‌های قبل و بعد از انقلاب از جانب

پژوهشگران ایرانی انجام شده است اگر چه کم تعداد و محدود بوده است اما در عین حال آنها را می توان به عنوان نخستین پژوهشهای ارتباطات توسعه در کشور تلقی کرد.

ب: تحقیق در مورد پیشرفت ارتباطات

شرایط امروزی ایران حکم می کند که در مرحله ادامه کوشش جهت بازسازی و پیشبرد برنامه های توسعه به نقش حساس ارتباطات اهمیت زیادی داده شود. به طور کلی در دگرگونیهای جوامع معاصر و در سطح جهان توجه به بهبود و هماهنگی و پیشرفت امکانات و تکنولوژی وسائل ارتباطی از اولویت بالایی برخوردار است. هرگونه اقدام در کاربرد صحیح ارتباطات باید با پیشنگری و برنامه ریزی و سیاستگذاری دقیق صورت گیرد. هم از این رو تحقیقی جامع و همه جانبه در باب عملکرد و کاربردهای ارتباطات بسیار ضروری و اجتناب ناپذیر است.

برای مطالعه و تحقیق پیرامون ارتباطات می توان از شاخه های ارتباطات نوین معاصر مثل ارتباطات جمعی (مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سینما) و ارتباطات راه دور (تلگراف، تلکس و تلفن، پست تصویری و ارتباط ماهواره ای) و ارتباطات کامپیوتری (سخت افزارها و نرم افزارها) را از هم متمایز ساخت و شرایط و مشکلات هر یک را جدا از دیگری بررسی کرد و باید با توجه به سابقه تاریخی هویت فرهنگی مذهبی جامعه ایران ارتباطات سنتی را هم به موازات آن قرار داد و با در نظر گرفتن جنبه های مشترک آنها، تمام تکنولوژیها و شیوه های ارتباطی پیشگفته در مجموعه ای کلی نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

نقش ارتباطات در برنامه های توسعه ملی

هم اکنون در برنامه ریزیهای ملی کشورهای مختلف جهان برنامه ریزی در مورد ارتباطات یکی از ارکان مهم برنامه های توسعه است و جایگاه ویژه ای دارد. این برنامه ریزیها بر کاربرد وسایل و تکنولوژیهای ارتباطی بر پایه تحقق هدفهای توسعه ملی استوار است. به علاوه پیشبینیهای خاص به منظور پیشرفت و گسترش ارتباطات و کارایی هرچه بیشتر آنها صورت می گیرد.

در دو دهه اخیر بر اثر کوشش کشورهای جهان سوم و بویژه اقدامها و تصمیمهای «یونسکو» اصل بر آن است که کشورهای در حال توسعه از الگوی واحد و جهانی «نوسازی» تقلید نکنند و بیشتر برنامه ریزیها و سیاستگذاریها، با خصصتهای ملی همگون و هماهنگ باشند.

متأسفانه در ایران از دیر باز در برنامه ریزی به منظور عمران و توسعه، به نقش ارتباطات در کمک به

هدفهای توسعه توجه لازم نشده است. بررسی برنامه‌های توسعه چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که در این برنامه‌ها به‌طور پراکنده به استفاده از امکانات فرهنگی و از جمله وسایل ارتباط جمعی اشاره شده است و نیز پیشبینی‌هایی که در باب بودجه مالی برخی از جنبه‌های ارتباطی مانند مخابرات و رادیو و تلویزیون و بخش ارتباطی سینما به‌عنوان جزئی از فعالیتهای فرهنگی تلقی شده کامل نیست و در واقع به تأثیر ارتباطات در پیشرفت هدفهای توسعه ملی کم‌توجهی شده است.

در برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌طور صریح پیشبینی‌های لازم در استفاده از امکانات ارتباطی صورت نگرفته است و فقط به هدفهای کلی ارتباطات جمعی بسنده شده است، امید است با توجه به این مهم در برنامه دوم توجهی شایسته به این امر شود و بر مهمترین جنبه‌های مثبت این برنامه یعنی پیشرفت و گسترش کمی و کیفی امکانات ارتباطی، از جمله خبرگزاری، مطبوعات، برنامه‌های رادیو و تلویزیونی، فعالیتهای سینمایی و تولید فیلم و نیز آموزش نیروی انسانی متخصص تأکید شود. و به‌طور کلی در این برنامه به نقش «توسعه ارتباطات» بیش از (ارتباطات توسعه) توجه شده است.

سیاستگذاری ارتباطات

آینده نگری ایجاب می‌کند که به‌موازات پژوهشهای مربوط به «ارتباطات توسعه» و «توسعه ارتباطات» به کاربرد ارتباطات در امر تحقق هدفهای توسعه و همچنین پیشرفت و گسترش وسایل و تکنولوژیهای ارتباطی در وجه ملی توجه کافی شود. کوشش در این راه در کشورهای جهان سوم که هدف اصلی جبران عقب‌ماندگیهای اقتصادی و اجتماعی داخلی و همچنین مقابله با شیوه‌های نوین سلطه‌های جهانی است از اوایل دهه پنجاه آغاز شده است. «یونسکو» در مباحثه‌های بین‌المللی راجع به چاره‌اندیشی درباره نابرابری ارتباطات جهانی بر کاربرد وسایل و تکنولوژیهای ارتباطی در کشورهای در حال توسعه تأکید داشته است.

پایه‌های کلی سیاستهای ملی ارتباطات در ایران را می‌توان در مقدمه و اصول قانون اساسی و برخی قوانین اختصاصی ارتباطی پی‌گیری کرد. از جمله «قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداسیما جمهوری اسلامی ایران» و «قانون مطبوعات» و نیز مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه «هدفها و سیاستها و ضابطه‌های نشر کتاب» و «سیاستهای فرهنگی» درخور ذکر است.

به‌سبب نیاز روزافزون کشور به هماهنگی و کارآیی چه بیشتر فعالیتهای و عملکردهای ارتباطی، توجه

و تدوین و تصویب مجموعه‌ای همگون از اصول سیاستهای ملی ارتباطات برپایه آینده‌نگریهای ارتباطی و انجام پژوهشهای جامع ارتباطات از اهم سیاستهای برنامه‌ریزی توسعه است.

چشم‌اندازهای آینده

با توجه به اولویتها، آینده‌نگری ارتباطی و بررسی مبانی نظری و ریشه‌ها و زمینه‌های پژوهشی ارتباطات توسعه و همچنین برنامه‌ریزی و سیاستگذاری ملی ارتباطی که به آنها اشاره شد می‌توان نتیجه گرفت که در وضعیت حساس کنونی و در شرایط نامطلوب سلطه جهانی سرمایه‌داری برای حفظ هویت و استقلال فرهنگی و توسعه و پیشرفت کشور باید از امکانات ارتباطی برای دستیابی به هدفهای ملی حداکثر بهره‌برداری صورت گیرد.

مطالعه در خصوص فعالیتهای سازمانهای ارتباطی مختلف مشخص می‌کند که کوششها و خط‌مشی‌های آنها در زمینه‌های مربوط به هم و همچنین در زمینه کلی ارتباطات کشور از هماهنگی مطلوب به دور است و به نحو احسن پاسخگویی تحقق هدفها و آرمانهای انقلاب اسلامی ایران و اجرای سیاستهای عمومی آن نیست. توجه بیشتر در باب مطالعات و تحقیقات ارتباطی و برنامه‌های «ارتباطات توسعه» و «توسعه ارتباطات» و نیز سیاستهای ملی ارتباطی از ارکان اصلی موفقیت در آینده‌نگری ارتباطات است. در این زمینه به‌وجود آوردن ارگانی هماهنگ‌کننده فعالیتهای سازمانهای ارتباطی کشور ضرورت دارد تا با در نظر گرفتن اولویتهای چشم‌اندازهای آینده ارتباطات در عرصه داخلی و جهانی مورد حمایت قرار گیرد و لازم است اختیارات قانونی داشته باشد. چنین ارگانی باید بر عملکردها و کاربردهای ارتباطات نظارت کند و برای از میان برداشتن مانعها و دشواریها و ناهماهنگیهای کنونی سازمانها و موسسات اداره‌کننده امور ارتباطی، ایفای نقش کند و در نهایت پنجره نوینی را بر دورنمای آینده‌ای روشن در امر توسعه بگشاید.

